

# سفر به شیراز از مسیر کازرون به فیروزآباد

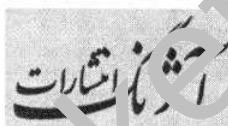
نویسنده

اسکات وایرینگ

مترجم

شهرزاد رضائی مقدم

|                     |                                                                                             |
|---------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرنشانه             | : وارینگ، ادوارد اسکات                                                                      |
| عنوان و نام پدیدآور | Waring, Edward Scott                                                                        |
| مشخصات نشر          | : سفر به شیراز از مسیر کازرون به فیروزآباد/ نویسنده اسکات و ایرینگ؛ مترجم شهرزاد رضائی مقدم |
| مشخصات ظاهری        | : تهران: آژنگ، ۱۳۹۴                                                                         |
| شابک                | : ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۲۵۲-۰-۸                                                                         |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیبا                                                                                      |
| یادداشت             | : عنوان اصلی: A tour to Sheeraz by the route of Kazroon and Feerozabad.c, 1973.             |
| موضوع               | : شیراز - - سیر و سیاحت                                                                     |
| موضوع               | : ادبیات فارسی - - تاریخ و نقد                                                              |
| موضوع               | : سفرنامه‌ها                                                                                |
| شناسه آروده         | : رضائی مقدم، شهرزاد، ۱۳۵۸ - مترجم                                                          |
| رده بندی کنگره      | : ۲۰۹۴ و ۷۶ ی / DSR ۲۰۷۹                                                                    |
| رده بندی دیویی      | : ۹۵۵/۶۳۱                                                                                   |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۱۶۴۰۰۰                                                                                    |



## سفر به شیراز از مسیر کازرون به فیروزآباد

نویسنده: اسکات و ایرینگ

مترجم: شهرزاد رضائی مقدم

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۲۵۲-۰-۸

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴

صفحه آرای و طرح جلد: انتشارات سفیر اردهال

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سفیر اردهال

تلفن: ۲۶۵۴۹۶۵۵ همراه: ۰۹۱۲۶۱۳۷۷۲۶

صندوق پستی: ۵۷۱۴-۱۹۳۹۵

آدرس اینترنتی: [www.afshar.ir](http://www.afshar.ir)

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گهواره در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

## فهرست مطالب

|                                                                                                                                                                                                                            |    |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----|
| پیشگفتار.....                                                                                                                                                                                                              | ۱۳ |
| بخش اول: از بوشهر تا شیراز.....                                                                                                                                                                                            | ۱۷ |
| فصل اول: سفر دریایی به بوشهر، خلیج فارس، دیدارها، شمال، شرق، شهر بوشهر، تصاویر هندو، دست‌نوشته‌ها.....                                                                                                                     | ۱۸ |
| فصل دوم: فرماندار بوشهر، پدر ایران، تجارت، شام ایرانی، عقاید مربوط به طالع‌بینی قضایی.....                                                                                                                                 | ۲۳ |
| فصل سوم: روش مسافرت، احترام گذاشتن ایرانی‌ها به خان‌ها.....                                                                                                                                                                | ۲۶ |
| فصل چهارم: خروج به سمت شیراز، ده هسم، باتلاق، بدعایدات، پیراسگون، جوی‌های نفت چاه‌ها، جاده‌بد، مناظر زیبا، دو دژ کوهی شهر بزرگ دیر و در خرابه‌ها، سنت و کنجکاوی، یخ و برف، ظاهر کوه‌ها، قلعه‌های یهودی‌ها، شهر کازرون..... | ۳۰ |
| فصل پنجم: گفته‌های یکی از نوادگان نادر شاه، پله‌های کنده در صخره، منظره تپه‌ای در آتش، دره زیبای دستارجان، دزدی از همراهم، راهدارها، جاده‌بد نزدیک شیراز.....                                                              | ۳۷ |
| فصل ششم: گرفتن لباسی افتخاری، توصیف شیراز، گفته‌های اروپایی‌ها، تنبیه اغراق‌های بزرگ، بازار، مسجد.....                                                                                                                     | ۴۱ |
| فصل هفتم: مهمانی شاهزاده، ملکه، پرداخت به فرماندار، احترام به او، هدایا، آرزو و طمع فرماندار.....                                                                                                                          | ۴۵ |
| فصل هشتم: باغ‌های ایرانی، توصیف صحبت، حافظیه، فال گرفتن، انحراف شعر حافظ، هفت تن، تصاویر حافظ و سعدی، مقبره سعدی، دلگشا، جهان‌نما، کلاه‌فرنگی، تخت فجری.....                                                               | ۴۷ |
| فصل نهم: روش ایرانی اسکان سربازان و خدمتکاران، مراسم مرگ عمر، احترام به علی.....                                                                                                                                           | ۵۱ |
| فصل دهم: درباره ساختمان‌ها، حمام‌ها.....                                                                                                                                                                                   | ۵۲ |
| فصل یازدهم: هنرمندان، نقاشان، پزشکان.....                                                                                                                                                                                  | ۵۴ |

|          |                                                 |
|----------|-------------------------------------------------|
| ۵۶.....  | فصل دوازدهم: روش های گذران اوقات در ایران       |
| ۵۸.....  | فصل سیزدهم: درباره سرگرمی ها در ایران           |
| ۶۲.....  | فصل چهاردهم: لباس ایرانی                        |
| ۶۵.....  | فصل پانزدهم: لباس های زنان                      |
| ۶۶.....  | فصل شانزدهم: درباره محل ها                      |
| ۶۸.....  | فصل هفدهم: درباره پلیس شیراز                    |
| ۷۱.....  | فصل هجدهم: درباره قوانین                        |
| ۷۵.....  | فصل نوزدهم: درباره تجارت در ایران               |
| ۷۷.....  | فصل بیستم: درباره گاو و گاو و مالیات و ...      |
| ۷۹.....  | فصل بیست و یکم: درباره نیروی نظامی              |
| ۸۲.....  | فصل بیست و دوم: درباره آما                      |
| ۸۶.....  | فصل بیست و سوم: درباره دولت                     |
| ۸۹.....  | فصل بیست و چهارم: درباره شاه                    |
| ۹۳.....  | فصل بیست و پنجم: شخصیت ایرانیان                 |
| ۹۷.....  | فصل بیست و ششم: در راه بازگشت از شیراز به بوشهر |
| ۱۰۰..... | فصل بیست و هفتم: درباره شکار ایرانی ها          |
| ۱۰۲..... | فصل بیست و هشتم: درباره اسب های عرب و ایرانی    |
| ۱۰۴..... | فصل بیست و نهم: درباره درخت خرما                |
| ۱۰۶..... | فصل سی ام: درباره دم                            |
| ۱۰۷..... | فصل سی و یکم: درباره وهابی ها                   |
| ۱۱۳..... | فصل سی و دوم: حالت اندازه گیری زمان             |
| ۱۱۴..... | فصل سی و سوم: درباره سکه های ایرانی             |
| ۱۱۶..... | فصل سی و چهارم: خروج به سمت باسور               |
| ۱۱۷..... | فصل سی و پنجم: شهر باسور                        |

|          |                                                       |
|----------|-------------------------------------------------------|
| ۱۲۵..... | بخش دوم: زبان فارسی                                   |
| ۱۲۵..... | فصل اول: زبان فارسی                                   |
| ۱۲۸..... | فصل دوم: درباره نوشته‌های ایرانی، نویسندگان           |
| ۱۳۱..... | فصل سوم: شعر فارسی                                    |
| ۱۳۴..... | شاهنامه                                               |
| ۱۶۴..... | فصل چهارم: ایران - حافظ                               |
| ۱۸۱..... | فصل پنجم: شعر عارفانه                                 |
| ۱۸۹..... | فصل ششم: درباره غزل                                   |
| ۱۹۶..... | فصل هفتم: درباره مثنوی                                |
| ۱۹۸..... | نتیجه‌گیری                                            |
| ۱۹۹..... | فصل هشتم: درباره دانش ایرانیان و عربان                |
| ۲۰۷..... | تاریخ حکومت ایران از مرگ کریم خان برون از سلسله زندیه |
| ۲۰۷..... | تاریخ حکومت ایران                                     |
| ۲۰۷..... | مقدمه                                                 |
| ۲۰۸..... | کریم خان به شیراز بازمی‌گردد                          |
| ۲۰۹..... | اعتدال حکومت او                                       |
| ۲۰۹..... | شخصیت او                                              |
| ۲۱۰..... | پسرهایش                                               |
| ۲۱۰..... | زکی خان پایگاه را محاصره می‌کند                       |
| ۲۱۱..... | با خیانت آن را گرفت                                   |
| ۲۱۱..... | صادق خان بصره را تخلیه کرد                            |
| ۲۱۲..... | بی‌وفایی ارتش آسیایی                                  |
| ۲۱۲..... | آقامحمدخان از شیراز فرار می‌کند                       |
| ۲۱۳..... | مرتضی قلی خان ادعای تاج و تخت دارد                    |

- ۲۱۳..... شکست می خورد
- ۲۱۳..... ارتشی برای اصفهان فرستاده می شود
- ۲۱۴..... زکی خان از موفقیت آقامحمدخان آگاه می شود
- ۲۱۴..... شیراز را ترک می کند
- ۲۱۵..... شخصیت او
- ۲۱۶..... ابوالفتح خان را ارتش انتخاب کرد
- ۲۱۶..... صادق خان به سمت شیراز لشکر کشی می کند. ۱۷۷۹
- ۲۱۷..... ابوالفتح خان برکنار می شود
- ۲۱۷..... صادق خان رت را دست می گیرد
- ۲۱۸..... بی بندوباری پسرانش
- ۲۱۹..... اکبرخان توجه علی مرادخان را جلب می کند
- ۲۱۹..... ارتش صادق خان را شکست می دهد
- ۲۱۹..... فقدان نه چندان زیاد
- ۲۲۰..... علی مردان خان شیراز را محاصره می کند
- ۲۲۱..... اکبرخان به قتل می رسد
- ۲۲۱..... به اصفهان برمی گردد
- ۲۲۱..... آقامحمدخان رشت را گرفت
- ۲۲۲..... علی مرادخان نیرویی علیه او می فرستد
- ۲۲۳..... آقامحمدخان به برادرش مشکوک می شود
- ۲۲۳..... ساری محاصره می شود. ۱۷۸۲
- ۲۲۳..... افراد مهم به سمت علی مردان خان فرار می کنند
- ۲۲۴..... ارتشی به مازندران می فرستد
- ۲۲۴..... شکست می خورند
- ۲۲۵..... آقامحمدخان ساری را بهبود می دهد

- ۲۲۵.....علی مرادخان ارتش دیگری جمع می کند
- ۲۲۶.....جعفرخان شورش کرد
- ۲۲۶.....شخصیت علی مرادخان
- ۲۲۷.....جعفرخان مدعی دولت می شود. ۱۷۸۴
- ۲۲۸.....فرار می کند.
- ۲۲۸.....به شیراز می رود
- ۲۲۸.....جعفرخان به اصفهان برمی گردد
- ۲۲۹.....اسماعیل خان شورش می کند
- ۲۲۹.....جعفرخان پایگاه را می گردد
- ۲۳۰.....شکست می خورد
- ۲۳۰.....جعفرخان ارتشی برای شکست او می فرستد
- ۲۳۱.....بازگشت جعفرخان به شیراز
- ۲۳۱.....لشکرکشی می کند. ۱۷۸۷
- ۲۳۲.....محمدخان و دلیل شکست او
- ۲۳۲.....لار وبران می شود
- ۲۳۳.....به اصفهان می رسد
- ۲۳۳.....بازنزدیکی آقامحمدخان فرار می کند
- ۲۳۴.....شخصیت او
- ۲۳۴.....لطفعلی خان به بوشهر فرار می کند
- ۲۳۵.....نیروی علیه او فرستاده می شود
- ۲۳۵.....بازگشت به شیراز
- ۲۳۶.....از شیراز لشکرکشی می کند. ۱۷۹۰
- ۲۳۶.....فرستاده کرمان برکنار می شود
- ۲۳۶.....به شیراز برمی گردد

- ۲۳۷..... لشکر کشی می کند، ارتش از هم می پاشد
- ۲۳۷..... علت این خیانت
- ۲۳۷..... برخوردار خان
- ۲۳۸..... حاجی ابراهیم فرمانده شیراز را محبوس می کند
- ۲۳۹..... به شیراز فرار کرد
- ۲۳۹..... وها مر شود
- ۲۳۹..... به نزار که تراز می کند
- ۲۴۰..... حاجی ابراهیم به آن لطفعلی خان را خلع سلاح می کند
- ۲۴۰..... لطفعلی خان مسمت شیراز لشکر کشی می کند
- ۲۴۰..... محاصره را آغاز می کند
- ۲۴۱..... حاجی ابراهیم سعی کرد ذخایرش را قطع کند
- ۲۴۲..... از آقامحمدخان کمک می خواهد
- ۲۴۲..... لطفعلی خان با نزدیکی دشمن بر می گردد
- ۲۴۳..... آقامحمدخان به شیراز لشکر کشی می کند. (۱۷۹۴)
- ۲۴۴..... به لطفعلی خان در خراسان رسیدند
- ۲۴۵..... سفرش را به قندهار آغاز کرد
- ۲۴۶..... آقامحمدخان به مخالفت با او لشکر کشی می کند. ۱۷۹۴
- ۲۴۶..... کرمان گرفته می شود و لطفعلی خان اسیر می شود و به قتل می رسد
- ۲۴۷..... شخصیت او
- ۲۴۸..... تخریب کرمان
- ۲۴۸..... نتیجه گیری ۱۷۹۴
- ۲۵۰..... پیوست
- ۲۵۰..... شماره ۱
- ۲۵۵..... شماره ۲



۲۵۸..... شماره ۳

۲۵۸..... شماره ۴

۲۵۹..... شماره ۵

۲۶۱..... شماره ۶

۲۶۳..... شماره ۷

۲۶۴..... شماره ۸

www.ketab.ir

## پیشگفتار

سفرنامه‌ها در تمام زبان‌ها و دوره‌ها در کانون توجه بوده‌اند. نگارنده این اثر اگر بتواند بخش کوچکی از توجه عمومی را به خود جلب کند، بسیار خشنود خواهد شد. همواره مرسوم بوده است که از مسافر توقع بود انگیزه‌هایش را برای سفرش معین کند. بیماری و کنجکاوی دلایلی بودند که مرا به دیدار ایران وادار کردند. اگر مردم کاری کنند که کنجکاوی‌ام درست هدایت شود، جبران بزرگی برای فقدان موقت سلامتی‌ام که از نعمات پرارزش است، فراهم کرد.

کشورهای کمی هستند که بیشتر از ایران بازدید شده‌اند. این حال، روابط این کشور از زبان افرادی بیان شده است که به زبان این کشور سخن نمی‌گویند و دیگرانی که آن‌قدر به علایق شخصی خود مشغول بوده‌اند که به دنبال آداب و رسوم سلطنتی در جایی دور نبوده‌اند و افرادی که تعصبشان نه تنها به کار تحقیقاتی آن‌ها سمت‌وسو داده، بلکه بر نظرهایشان هم فرمان رانده است.

نمی‌خواهم نحوه انجام کارم را شرح دهم. با این حال، به گمانم اجازه دارم بگویم که تمام زحمتم را کشیدم تا اطلاعاتم صحت داشته باشد و هیچ گاه حرفی را با تردید به زبان نیاوردم. این کار ابتدا در هند منتشر شد. غلط‌های چاپی زیاد و نامعقولی که در هر صفحه دیده می‌شد، باعث شد نویسنده دوباره چاپش کند و آن

را به گونه‌ای ترجمه کند که مقبول عموم باشد. موضوع گائورها یا ساکنان باستان ایران برای من خیلی خسته‌کننده بود و من از ذکر موضوعی که سر جی. چاردین بارها آن را گفته بود، اجتناب کردم. از زمان چاپ این کار دانشی دربارهٔ زبان باستان ایران به دست آوردم که به مهدی قلی‌خان منتسب می‌شد و به اندازهٔ الاهیات منصوب به وی خیالی بود. گفته می‌شود که دانشش او را برای تعدیل تضادهای موجود در نوشته‌های بیزانتین و تاریخ‌نویسان ماهومتان اولیه بسیار مسلح کرده بود. باینکه آملای ری را با زبان باستان ایران می‌پذیرم، توانایی او را در اصلاح گفته‌های متناقض مسالین به نانی نمی‌پذیرم. او دانشش را از چه منبعی آورده بود؟ اما همان عقلانیت عریقی که دانش او را به وجود آورده بود، به همان شکل برایش دست‌مایه آفرید. اما من دانش زانی را را رد می‌کنم؛ چرا که در زمان چاردین منسوخ شد.

چند کلمه‌ای دیگر دربارهٔ ترجمه‌هایی می‌گویم که در این کار دیده می‌شود. در هیچ نمونه‌ای، به جز نقل قول‌هایی از اسحاق صیقلی، از برگردان لغوی نوشته نویسنده استفاده نکرده‌ام. کوشیده‌ام باورها و احساسات نویسندگان ایرانی را بیان کنم و نه واژه‌های آنها را. این کاری بود به مراتب سخت‌تر از بیان معنی بعضی چند مصرع. این کار نیازمند تفکر است؛ ولی روش‌های دیگر به چیزی نیاز دارند. معتمد شخص می‌تواند بدون احساس کردن معنا و فهمیدن طرح نویسنده، بهترین ترجمهٔ واژه‌ها را ارائه کند.

افراد بسیاری به املائی درست کلمات فارسی و هندی اهمیت می‌دهند؛ ولی من باید اعتراف کنم که هیچ اهمیتی نمی‌دهم.<sup>۱</sup> به‌طور کلی از نظام استفاده کردم که دکتر جان گیل کرتیس در لغت‌نامهٔ هندوستانی خود به کار برده است؛ اما جاهایی که واژه‌ای کاربرد جهانی داشته است، از گفته‌های عموم پیروی کرده‌ام.

۱. سر ویلیام اورلی معتقد است که همچنان کارهای زیادی به زبان باستانی ایران وجود دارد و بناهای قدیمی بسیاری وجود دارد که مسافران اروپایی به آنها توجه نکرده‌اند. به‌منظور توجیه این مسئله، دیدارش از ایران را تجزیه و تحلیل کرده است. قصد او یادآور تماشاکننده‌هایی است که به قاهره می‌روند تا اهرام را اندازه‌گیری کنند. این مسئله را طعنه‌ای نا عادلانه به آقای گریسب نمی‌بینم. صحت اندازه‌گیری وی هم‌اکنون نقض شده است.

۲. به‌خاطر جغرافیا باید املائی استاندارد داشت که این کار وظیفهٔ جغرافی دانان است که یک نظام املائی صحیح شرقی تعیین کنند و نه زبان‌دانان.

اذعان به دین نه تنها از سر قدردانی که عادلانه نیز هست. بنابراین، اجازه می‌خواهم اعلام کنم هر دانشی که انتظار می‌رود درباره مسائل مربوط به شرق داشته باشم، منسوب به جد و جهد حضرت والا مارکویس ولسی در وادی ادبیات شرق است. اگرچه، همان‌طور که احتمال می‌رود، ممکن است در قبال آن کوشش‌ها عادلانه عمل نکرده باشم. البته این اظهار تأسف بدان معنا نیست که بابت فوایدی که از آن به من رسیده است، ناسپاس هستم.

تلاش نمی‌کنم از اعتراض‌ها پیشگیری کنم یا خطاها را دست کم بگیرم. خود را در برابر محکمه‌ای قرار داده‌ام که تصمیمشان را هر چه باشد، می‌پذیرم و قضاوتشان را مطیع و تسلیم گردن می‌انم.

پونا

۱۱۳ اکتبر ۱۸۰۴